١٥٨- ای منجذب جمال الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٥٨- ای منجذب جمال الهی

ای منجذب جمال الهی، آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد از گلشن معانی رائحه طيّبه محبّت اللّه استشمام گرديد خوشا بحال تو که از ظلمات جهل رهيدی و نور هدايت ديدی و بمنزل مقصود رسيدی ندای الهی شنيدی و از شهد محبّت اللّه چشيدی. حال وقت آنست که مرغ اين چمن گردی و بال و پر بگشائی و در اين فضای نامتناهی الهی بر پری و بخدمت حقّ پردازی و در اين سبيل جانبازی در ساحت قدس مقبولی و در نزد احبّای الهی محمود و در لوح محفوظ نامت مثبوت حال بخدمت امر اللّه مشغول شو … ای بنده حقّ اعمال خيريّه خواه فاعل آن باخبر باشد خواه بيخبر عند الحقّ مقبول مثلاً شجر خبر از ثمر خود ندارد با وجود اين ميوه‌اش خوشگوار است لکن اگر باخبر باشد کامل است و الّا ناقص . پس مناجات کن: ای پروردگار مرا بيدار کن هشيار نما از غير خود بيزار کن و بمحبّت جمالت گرفتار نما نفخه روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی بگوش رسان قوّت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب برافروز از هر بندی آزاد کن و از هر تعلّقی نجات ده تا جز رضای تو نطلبم و بغير از روی تو نجويم و دون راه تو نپويم نفوس غافله را هشيار کنم و ارواح خفته را بيدار نمايم تشنگان را آب حيات بخشم و مريضان را شفای الهی دهم. هر چند حقيرم ذليلم فقيرم امّا پشت و پناهم توئی و معين و ظهير هم توئی تأييدی عنايت فرما که کلّ حيران گردند . خدايا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بينا.

